



۱- در همه ابیات زیر، متناقض نما (پارادوکس) وجود دارد، به جز:

(فاره از کشور - ۹۵)

- ۱) ز بندگی شما صد هزارم آزادی است
- ۲) به روز افغانی و شب یاربی داشت
- ۳) خامشی از کرده‌های بد به فریادم رسید
- ۴) دعوی هستی در این میدان دلیل نیستی است

- که سلطنت کند آن کاو بود گدای شما
- به یمن عشق خوش روز و شبی داشت
- بی‌زبانی‌ها زبان عذرخواهی شد مرا
- هر که فانی می‌شود موجود می‌دانیم ما

۲- در همه ابیات به استثنای بیت: آرایه‌ی متناقض نما وجود دارد.

(سراسری زبان - ۹۲)

- ۱) بی‌قیمتی ما ز گرانمایگی ماست
- ۲) ره رستگاری در افکنندگی است
- ۳) در ره عشق مسلمان نتوان گفت او را
- ۴) آه گاه از دل زاید زنگ و گه زنگ آورد

- کاین چرخ فرومایه ندارد ثمن ما
- که خورشید جمع از پراکندگی است
- که به کفر سر زلفت نبود ایمانش
- ابر گاه از باد جمع و گه پریشان می‌شود

۳- در کدام گزینه آرایه‌ی متناقض نما (=پارادوکس) به کار رفته است؟

(سراسری ریاضی - ۸۹)

- ۱) دلم امروز چو کاه از نفسی می‌لرزد
- ۲) گر چو شبنم نفسی هم نفس گل بودم
- ۳) یافت با شکوه ره زندگی من پایان
- ۴) حاصل ذوق و هنر خون جگر بود مرا

- یاد آن روز که چون کوه جگر بود مرا
- بهره زان وصل همان دیده‌ی تر بود مرا
- چون جرس ناله‌ی من زاد سفر بود مرا
- این هم از بی‌هنری‌های هنر بود مرا

۴- در همه ابیات به استثنای بیت آرایه‌ی «متناقض نما» به کار رفته است.

(سراسری انسانی - ۸۹)

- ۱) من پرستار دو چشم خوش بیمار توام
- ۲) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد
- ۳) ختم پایانیم، مهر آغاز کن
- ۴) من عهد تو سخت سست می‌دانستم

- گرچه بیمارپرستی بتر از بیماری است
- تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس
- ای که در آغاز پایانی هنوز
- بشکستن آن درست می‌دانستم

۵- در همه ابیات به جز بیت آرایه‌ی متناقض نما مشهود است.

(سراسری هنر - ۸۹)

- ۱) به هر غمی که رسد از تو خاطر م شاد است
- ۲) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
- ۳) هزار سختی اگر بر من آید آسان است
- ۴) فغان که داد ز دست ستمگری است مرا

- که بنده‌ی تو ز بند کدورت آزاد است
- که خار دشت محبت گل است و ریحان است
- که دوستی و ارادت هزار چندان است
- که هرگز نتوان گفت این چه بیداد است

۶- در کدام بیت آرایه‌ی متناقض نما وجود دارد؟

(سراسری ریاضی - ۸۷)

- ۱) دوست می‌دارم به بانگ بلند
- ۲) ما را ز هم جدا کرد آیم ورنه ما را
- ۳) آتش سردی که بگدازد درون سنگ را
- ۴) ما و دشمن دوستی، این رسم، رسم تازه‌ای است

- تا کی آهسته و نهان گفتن
- با دولت وصال، خوش بود روزگاری
- هر که را بودست آه سرد، می‌داند که چیست
- ورنه هر مو بر تن آیم دشمن، دشمن است

۷- در کدام بیت تناقض وجود ندارد؟

(سراسری هنر - ۸۷)

- ۱) همه اسباب پریشانی ما جمع آمد
- ۲) جمعیت خاطر ندهد دست، کسی را
- ۳) گویایی سکوت و بی‌تابی درنگ
- ۴) گروهی سر به سر گویای خاموش

- تا ز مجموعه‌ی آن زلف پریشان شده‌ایم
- کآشفستگی از زلف پریشان تو دارد
- تمکین بی‌قراریم و بی‌قرار هیچ
- ولسی چون بحر در بر کرده در جوش

۸- در کدام بیت «متناقض نما» (پارادوکس) وجود دارد؟

(فاره از کشور - ۸۵)

- ۱) بگو چگونه کنم دعوی مسلمانی؟
- ۲) به عشق زلف و رخت، فارغم ز دیر و حرم
- ۳) مَهی که راز من از پرده آشکارا کرد
- ۴) به یاد کاکل پرتاب و زلف پرچینش

- که در کمین من آن چشم نامسلمان است
- که این معامله بیرون ز کفر و ایمان است
- هنوز صورت او زیر پرده پنهان است
- دل من است که هم جمع و هم پریشان است



(سراسری ریاضی - ۸۶)

سر ملوک جهان جمله بر زمین من است
که از مشاهده‌اش مجمعی پریشان است
دل من است که هم جمع و هم پریشان است
هنوز صورت او زیر پرده پنهان است
که درد یار بریچه‌ره عین درمان است
که خاک می‌کده خوشتر ز آب حیوان است
(۳) ب - د - ج (۴) ه - ج - و

(سراسری انسانی - ۸۶)

درد کز وی رسدم مایه‌ی درمان من است
زنده بی‌جان نتوان بودن و او جان من است
دل دیوانه‌وَشَم چون نه به فرمان من است
به چه معلوم توان کرد که او را دهن است

(سراسری ریاضی - ۸۴)

شوری ز چه، زان روی که شهد است و نمک هم
با دماغ خشکم آخر دیده تر باری چراست
از کریمی گوییا در گوشه‌ای بویی شنید
گفتم که تلخ از آن لب شکرشان مگوی

۹- در کدام ابیات، آرایه‌ی متناقض‌نما، به کار رفته‌است؟

الف - از آن زمان که زمین بوس آستان توام
ب - میان جمع، پریشان شاهده‌ی شده‌ام
ج - به یاد کاکل پرتاب و زلف پرچینش
د - مَهی که راز من از پرده آشکارا کرد
ه - عجب مدار که در عین درد خاموشم
و - مگر به یاد لب‌ت، باده می‌دهد ساقی
(۱) الف - ب - د (۲) الف - ج - ه

۱۰- در کدام بیت آرایه‌ی متناقض‌نما به کار رفته‌است؟

(۱) کشته‌ی عشق وی از زنده جاوید به است
(۲) مُردم از فُرقت جانان و عجب نیست از آنک
(۳) پای بند سر زلفین چو زنجیر تو شد
(۴) گر شکرخنده‌ی آن پسته‌ی شیرین نبود

۱۱- در کدام بیت هر دو آرایه‌ی، حس آمیزی و متناقض‌نما به کار رفته‌است؟

(۱) شیرینی گفتار تو افکند در آفاق
(۲) گر ز گرمی دل، اهم سرد شد آری رواست
(۳) با لبی و صد هزاران خنده آمد گل به باغ
(۴) دلدار گفت لوح دل از نقش من بشوی

۱- گزینه (۲)

- در بیت (۲)، طراح از «تضاد» به عنوان دام تستی برای متناقض‌نما استفاده کرده‌است. در این گزینه، بین (شب و روز) تضاد هست نه تناقض.
- بررسی آرایه متناقض‌نما در سایر گزینه‌ها:

(۱) این که بندگی، آزادی است و گدا بتواند سلطنت کند. (۳) بی‌زبانی، زبان عذرخواهی شود.
(۴) این که دعوی هستی دلیل نیستی است و شاعر هر کس را که فانی می‌گردد، موجود می‌داند.

۲- گزینه (۴)

- در بیت (۴)، طراح از «تضاد» به عنوان دام تستی برای متناقض‌نما استفاده کرده‌است. در این گزینه، بین (جمع و پریشان) تضاد هست نه تناقض.
- بررسی آرایه متناقض‌نما در سایر گزینه‌ها:

(۱) اینکه گرانبایگی موجب بی‌قیمتی (بی‌ارزشی) شود. (۲) جمعیت پیدا کردن خورشید از پراکندگی. (۳) این که لازمه مسلمانان، ایمان داشتن به کفر است.

۳- گزینه (۴)

- در این بیت، «بی‌هنری‌های هنر» یک پارادوکس آشکار است.

۴- گزینه (۲)

- در گزینه (۱): دو چشم خوش بیمار؛ در گزینه (۳): آغاز پایان؛ در گزینه (۴): سخت سست، دارای تناقض هستند.

۵- گزینه (۴)

- گزینه (۱)، این که غم، خاطر را شاد کند و در گزینه (۲) این که خار، گل است و در گزینه (۳) سختی آسان است؛ تناقض هستند.

۶- گزینه (۳)

- ترکیب وصفی «آتش سرد» در ابتدای گزینه «۳» دارای متناقض‌نماست. چراکه «آتش» گرم است و «سردی» متناقض با آتش است و هر دو وجود هم را نفی و نقض می‌کنند.



۷- گزینۀ (۲)

- در گزینۀ «۱» از مجموعهٔ زلف پریشان شدن، در گزینۀ «۳» گویایی سکوت و در گزینۀ «۴» گویای خاموش **تناقض** دارند.

۸- گزینۀ (۴)

- در مصراع دوم بیت گزینۀ (۴) هم جمع و هم پریشان بودن دل، **متناقض** نما دارد. در سه گزینۀ دیگر آرایۀ **تضاد** به کار رفته که توصیه می‌کنم آن‌ها را پیدا کنید.

۹- گزینۀ (۲)

- در بیت «ج»، «جمع و پریشان بودن» / در بیت «ه»، «عین درمان بودن درد» / در بیت «الف»، نیز چون شاعر می‌گوید: در برابر تو بنده‌ام و در برابر دیگران شاه و سرور، بنابراین بنده و سرور بودن یک شخص نوعی **تناقض** است.

۱۰- گزینۀ (۱)

- در مصراع اول گزینۀ «۱» کشته‌ای که از زندۀ جاوید بهتر است و در مصراع دوم، مایۀ درمان بودن درد **متناقض** نما دارند.

۱۱- گزینۀ (۱)

- «شیرین بودن گفتار» **حس آمیزی** دارد. این که «گفتار هم شیرین باشد (شهد) و هم نمکین»، **تناقض** دارد.

(تألیفی)

۱- در همهٔ ابیات زیر، **متناقض** نما (پارادوکس) وجود دارد، به جز:

می‌شود پیچیده‌تر چون واشود مکتوب ما
جواب تلخ می‌زبید لب لعل شکرخا را
شعلهٔ دیدار را در چشم تر داریم ما
در حقیقت عجز خسرو می‌کند مردانگی

۱) بس که مکتوب شکایت را به هم پیچیده‌ام
۲) اگر دشنام فرمایی و گر نفرین، دعا گویم
۳) آتش آب محبت، دوستان را نیک هست
۴) گرچه کوه از قوت فرهاد از جا می‌رود

(تألیفی)

۲- تعداد **تناقض** (پارادوکس) در کدام بیت، بیشتر است؟

چون شمع در میانه و از جمع بر کنار
درد تو موجب دوا، رنج تو علت شفا
بی‌تلفظ جمله با اهل معانی در بیان
چشم پوشیدن ز غیر حق، به حق بینا شدن

۱) چون بحر در تموج و از موج بر کنار
۲) صدر تو مصدر امان، زخم تو مرهم روان
۳) بی‌تکلم یک به یک با اهل معنی در حدیث
۴) چیست دانی عشقبازی، بی‌سخن گویا شدن

(تألیفی)

۳- در کدام بیت «**متناقض** نما» به کار **نرفته** است؟

آرامش است عاقبت اضطراب‌ها
در معنی می‌چکد از لفظ معنی‌پرورم
یک روز نگذرد که تو صد بار نگذری
در سلسلهٔ زلف پریشان تو یابند

۱) بیداری حیات شود منتهی به مرگ
۲) آتش تر می‌دمد از طبع چون آب ترم
۳) ای ماه روی حاضر غایب که پیش دل
۴) عشاق جگر سوخته جمعیت دل را

(تألیفی)

۴- کدام بیت، **فاقد** «**متناقض** نما» است؟

این نیست به هستی ابد کم نفروشم
آهن سرد محال است که زنجیر شود
شده‌است آبی و همچون یخ فسرده‌است
آتش تر می‌کند درمان این سرمای خشک

۱) من نیست شدم نیست شدن مایۀ هستی است
۲) زاهد خشک کجا، پیچ و خم عشق کجا
۳) بسا آتش که چون این جا رسیده‌است
۴) زهد را خون در جگر از بادۀ گلرنگ کن

(تألیفی)

۵- در همهٔ ابیات زیر، **متناقض** نما (پارادوکس) وجود دارد، به جز:

مدهوش ولی با هم در گفت و شنید است
خورشید من برآید هر شب، نماز شام
دوای من تویی اما مرا رنجور می‌داری
در جهات بی‌جهات، نماز کنیم

۱) من، مست به هشیاری چشم تو ندیدم
۲) خورشید هر کسی چو شب آید، فرو شود
۳) طبیب من تویی اما مرا بیمار می‌خواهی
۴) در زمین بی‌زمینی سجود بریم



۶- از میان ابیات زیر در چند مورد یکی یا هر دو آرایه «کنایه و تناقض» وجود ندارد؟ (تألیفی)

- | | |
|---|--|
| <p>الف) به باد دست، کلید خزانہ را مسپار
 ب) رخ او همچو گلبرگ است و من هر ساعت از عشقش
 ج) باش چون مینای می هنگام ریزش خنده‌رو
 د) عشقت بسوخت خرمن، آبی بر آتشم زن
 س) از آن ز صحبت یاران کشیده دامانم
 (۱) یک
 (۲) چهار
 (۳) دو
 (۴) سه</p> | <p>مده به دست صبا، زلف عنبرافشان را
 چو گل جامه کنم پاره چه تدبیر ای مسلمانان
 وقت احسان روی خود را تلخ چون دریا مکن
 کز تشنگی بمردم ای آب زنگدگانی
 که صحبت دگری می‌کشد گریبانم
 (۳) دو
 (۴) سه</p> |
|---|--|

۷- از میان ابیات زیر در چند مورد یکی یا هر دو آرایه «تشبیه و تناقض» وجود ندارد؟ (تألیفی)

- | | |
|---|---|
| <p>الف) مُلک فقر شد مسخر در لباس سلطنت
 ب) تو کیستی که در سفر جست‌وجوی تو
 ج) عقل تا بوی می عشق تو یافت
 د) او سرو جویبار الهی و نفس او
 س) به نهر کوچکی از مهر خویش گُر دادی
 (۱) یک
 (۲) چهار
 (۳) دو
 (۴) سه</p> | <p>بر سر خود تاج ابراهیم آدهم می‌نهم
 صد چشمه جوش زد ز کویر سراب‌ها
 دایماً دیوانه‌ای لایعقل است
 چون سرو در طریقت، هم پیر و هم جوان
 مرا که تر نشد از هیچ بحر دامن
 (۳) دو
 (۴) سه</p> |
|---|---|

* برای دریافت کتاب آرایه‌های ادبی و جزوه آموزش جامع قافیه عروض به شبکه‌های اجتماعی و سایت فارسی ۱۰۰

مراجعه کنید.